

# مروری اجمالی بر آثار مهدوی از غیبت کبری تا قرن هفتم هجری \*

سیدعلی حسینی \*\*

مقدمه

الف) پیدایش و رشد

امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۳۶۰ ق به شهادت رسید.<sup>۱</sup> بعد از شهادت وی جز عده‌ای محدود از ثقات اصحاب و خواص دوستانش کسی از فرزند او اطلاعی نداشت و بدین جهت پیروانش به چندین گروه تقسیم شدند. نوبختی در *فروق الشیعه* گوید: بعد از وفات امام حسن عسکری علیه السلام شیعه به چهارده فرقه تقسیم شدند.<sup>۲</sup> جمعیت کمی از شیعیان گفتند که امام حسن عسکری علیه السلام، فرزندی به نام مهدی (عجل الله فرجه الشریف) دارد که موعود و غایب و از نظر و امام دوازدهم شیعیان است. آن جمعیت کم هم کاملاً در تقیه و تحت فشار مخالفین بودند و نمی‌توانستند عقیده خودشان را به راحتی اظهار کنند. حسن بن موسی نوبختی و سعد بن عبدالله اشعری که در همان عصر می‌زیسته‌اند از شیعیان نقل می‌کنند که: برای ما جایز نیست درباره امام غایب بحث کنیم و در جست‌وجویش باشیم، زیرا جانمان در معرض خطر قرار می‌گیرد.<sup>۳</sup>

تاریخ تأیید: ۸۵/۰۵/۲۴

\* تاریخ دریافت: ۸۵/۰۲/۱۱

\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد در رشته دین‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه، قم.

این توضیحات مشخص می‌کند که معتقدان به وجود فرزند امام حسن عسکری علیه السلام در زمان غیبت صغری کاملاً در اقلیت بودند؛ و بدین جهت هم چندین مورد توجه دیگر فرقه‌های اسلامی واقع نمی‌شدند و بحث و انتقادهای زیادی در عقیده‌شان به عمل نمی‌آمد. کتب و رسائلی که در این دوران توسط شیعیان اثناعشری نگاشته شده حاکی از این مدعاست. از جمله این کتابها می‌توان به کتاب *غیبت نعمانی* اشاره کرد که در آن از بحثهای مفصل و دامنه‌دار سراغی نیست. در این کتاب به ذکر روایاتی که دلالت دارند ائمه علیهم السلام دوازده نفرند و زمین هرگز از امام خالی نمی‌شود و نیز به ذکر روایات غیبت اکتفا شده است. گاهی هم که بحثی به میان آمده، به جوابهای ساده و کوتاه بسنده شده است.

اما با گذر زمان و گسترش مذهب امامیه در بین مسلمانان، کم‌کم بر تعداد عقیده‌مندان به حضرت مهدی علیه السلام و غایب از نظر بودن آن بزرگوار افزوده می‌شود. از طرف دیگر، شاهد گسترش مخالفان آن حضرت هستیم و این مسئله به خوبی در کتابهایی که در آن عصر نگاشته شده، نمایان است.

### کتابهای عصر غیبت تا قرن هفتم

با گسترش مذهب حقه اثناعشریه اعتقاد به مهدویت و امام زمان، مهدی موعود علیه السلام، به عنوان امام زنده گسترش یافت و این مرهون تلاشها و فداکاریهای علمای بزرگ شیعه در گسترش و دفاع از عقیده حقه مهدویت است. نظر اجمالی به کتابها و رساله‌هایی که در این زمینه در این دوران تألیف شده، به خوبی این حقیقت را آشکار می‌کند.

در این دوران ما شاهد کتابها و رساله‌هایی هستیم که روایت و محدثان اخبار نبوی صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام در آنها به طور کافی و شافی به این موضوع پرداخته‌اند. در اینجا به بعضی از مهم‌ترین این کتابها که اکنون در دسترس همگان است اشاره می‌کنیم.

۱. کتاب *شریف اصول کافی* (کتاب الحجّه) تألیف مرحوم کلینی (۳۲۸ یا ۳۲۹ ق). کتاب *کافی* از چند کتاب تشکیل یافته است. کتاب چهارم آن پیرامون حجت و یک صد و سی باب است و هر باب آن متضمن روایاتی خاص درباره حجت است. کتاب *کافی* از منابع بسیار مهم در این زمینه به حساب می‌آید و به گفته علامه ذوالفقون آیت‌الله حسن‌زاده آملی، «امامیه را در امامت اثنی عشر و در اصالت و غیبت دوازدهم آن حضرت صاحب‌الامر علیه السلام کتاب *کافی*، کافی است.»<sup>۴</sup>

طهری

سال پنجم - شماره ۱۹ - پاییز ۱۳۸۵

۲. کتاب *غیبت نعمانی*، تألیف محمد بن ابراهیم بن جعفر ابو عبدالله نعمانی از مشایخ عظیم‌القدر امامیه و معاصر کلینی و ابن عقده است که زمان غیبت صغری را درک کرده است. کتاب *غیبت نعمانی* از کتب قدیم معتمد نزد همه علمای شیعه و از اجل کتب است و در جلالت او کلام شیخ مفید رحمته کافی است که در آخر باب سوم ذکر امام قائم علیه السلام از کتاب *ارشاد فرمود*: هر کس اخبار غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را می‌خواهد، به کتاب *غیبت نعمانی* رجوع کند که در این باب کتاب جامعی است.<sup>۵</sup>

۳. *کمال الدین و تمام النعمه*، تألیف مرحوم شیخ صدوق ابن بابویه (م ۳۸۱ق). شیخ صدوق رحمته این کتاب را در شصت و دو باب درباره حضرت مهدی علیه السلام تألیف کرده است و همه این ابواب، روایات مرویه از رسول الله صلی الله علیه و آله و اوصیای احد عشر اوست. ایشان در باب علت تألیف کتاب می‌نویسند:

انگیزه من در تألیف کتاب آن بود که چون آرزویم در زیارت علی بن موسی الرضا علیه السلام، برآورده شد، به نیشابور برگشتم و در آنجا اقامت گزیدم و دیدم بیشتر شیعیانی که نزد من آمد و شد می‌کنند در امر غیبت حیران‌اند و درباره امام قائم علیه السلام شبهه دارند و از راه راست منحرف گشته و به رأی و قیاس روی آورده‌اند. با استمداد از اخبار وارده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام تلاش خود را در ارشاد ایشان به کار بستم تا آنها را به حق و صواب دلالت کنم.<sup>۶</sup>

۴. کتاب *دلائل الامامة*، تألیف ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری آملی. وی از اعظم علمای امامیه در قرن چهارم هجری است. این کتاب از مصادر شیعه امامیه در امامت و احادیث مروی در امامت است. نویسنده در آخر کتاب در چند عنوان از قائم آل محمد، مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سخن می‌گوید و روایاتی را نقل می‌کند.

۵. *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، تألیف دانشمند بزرگ و نامور جهان تشیع ابی عبدالله محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید رحمته (۳۳۶ - ۴۱۳ق). ایشان در این کتاب به ذکر حوادث روایاتی پیرامون حضرت ائمه اثنا عشریه می‌پردازد که در نهایت در چند باب احادیث و روایاتی را پیرامون امام عصر علیه السلام می‌آورد.

در این زمینه کتابهای روایی دیگری نیز مانند کتاب *غیبت عبدالله بن جعفر بن حسن حمیری* نگاشته شده است که ذکر آنها را به مجالی دیگر وامی‌گذاریم.<sup>۷</sup>

کم‌کم با فاصله گرفتن از عصر غیبت صغری و طولانی شدن غیبت کبری، ما شاهد کتابهای و رساله‌های کلامی متعدد هستیم که اعلام و بزرگان شیعه آنها را تألیف نموده‌اند.

سخ این دست از کتابها با کتابهایی که قبلاً ذکر کرده‌ایم تفاوت چشمگیری دارد. موضوع این کتابها ذکر روایات نیست، بلکه مطالب آنها به صورت مباحث کلامی تنظیم شده است. تعدادی از این کتابها پیرامون مسئله امامت به طور عام است که در ضمن هم به مسئله غیبت امام زمان و مهدویت پرداخته‌اند. اما برخی دیگر از کتابها به طور خاص به مسئله مهدویت پرداخته‌اند که در ذیل به تعدادی از این دو دسته کتابها و رساله‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. کتاب *غیبت نعمانی*، تألیف احمد بن ابراهیم نعمانی (م ۳۲۹ق).  
 ۲. کتاب *غیبت*، تألیف محمد بن قاسم بغدادی، از مشاهیر متکلمان امامیه و معاصر ابن‌همام (م ۳۲۸ق).

۳. کتاب *غیبت*، تألیف مظفر علی بن حسین همدانی.

۴. کتاب *غیبت*، تألیف حنظله بن زکریا بن یحیی بن حنظله تمیمی.

۵. احمد بن محمد بن عمران، معروف به ابن جندی، کتابی درباره غیبت امام زمان نگاشته است. نجاشی در این زمینه می‌نویسد: ابن جندی استاد من است و کتابهایی نوشته که از جمله آنها کتاب *الغیبه* است.<sup>۸</sup> او در سال ۳۹۶ق وفات نموده است.<sup>۹</sup>

قرنهای پنجم و ششم، قرنهای رشد و گسترش مذهب حقه اثناعشریه است. در این دوران ما شاهد بالندگی و گسترش روزافزون مذهب شیعه هستیم. دورانی که در آن بزرگان شیعه همچون شیخ مفید<sup>۱۰</sup>، سید مرتضی<sup>۱۱</sup> و شیخ طوسی<sup>۱۲</sup> به عنوان استادان بلامنازع در مرکز خلافت اسلامی (بغداد) و دیگر شهرها مطرح شده‌اند. حتی خلفا طبق نظر این استادان بزرگ بعضی اشخاص را تکفیر و بعضی را طرد کرده‌اند. اجرای اعدام ابن ابی العزاقر از این موارد است.

این جایگاه بالای شیعه از نظر سیاسی و اجتماعی در عراق و ایران در دوران دیالمه که محب اهل بیت<sup>۱۳</sup> بوده‌اند به اوج خود رسیده است.<sup>۱۴</sup> با گسترش مذهب شیعه بحث پیرامون مهدویت نیز به طور روزافزونی گسترش یافت.

از جمله خصوصیات دیگر این دوران، مخصوصاً در قرن پنجم، رواج و رونق بازار علوم و معارف و به کار افتادن مدارس اسلامی و مجامع علمی و مذهبی است. در این عصر انواع مجادلات و مناظرات علمی میان علما و فقها برقرار گشت، به طوری که فن خلاف و مناظره در این قرن بیش از هر دوره ترقی کرد. در این دوره شیعه و سنی مخالفت‌های خود را با یکدیگر سخت بروز دادند و حتی چندین مرتبه در بغداد و دیگر شهرهای اسلامی، بین آنها جنگ در گرفت و جمع بسیاری کشته شدند.<sup>۱۵</sup>

طبری

به طور طبیعی یکی از مباحثی که بحثهای زیادی را در این دوران ایجاد کرده، مسئله مهدویت است. در واقع می‌توان گفت بحث امامت و به خصوص مهدویت همانند دیگر زمانها یکی از ارکان اصلی مذهب اثنا عشریه در آن دوران به حساب می‌آمد. لذا کتابها و رساله‌های بسیار مهم و گرانسنگی در این دوران نوشته شده که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. شیخ مفید تت کتابها و رسائل متعددی در زمینه غیبت تألیف کرده است. مرحوم نجاشی کتابهای زیر را از جمله کتابهای شیخ مفید تت می‌شمارد: کتاب *الایضاح فی الدماة*، کتاب *النقض علی ابن عباد فی الامامة*، کتاب *المسائل العشر فی الغیبة*، کتاب *مختصر فی الغیبة*، کتاب *جوابات الفاروقین فی الغیبة*، کتاب *نقض الامامة علی جعفر بن حرب*، کتاب *النقض علی الطلحی فی الغیبة*، کتاب *النقض علی غلام العجرانی فی الامامة*، کتاب *النقض علی النصیبی فی الامامة*، *الرد علی الکراییسی فی الامامة*، کتاب *الجوابات فی خروج المهدی*، کتاب *الرد علی ابن رشید فی الامامة*، کتاب *الرد علی ابن الاخشید فی الامامة*، کتاب *العهد فی الامامة*.<sup>۱۲</sup>

این تعداد کتاب و رساله از شیخ مفید تت، نشانه رواج و گسترش تفکر امامت و مهدویت در جامعه اسلامی آن روز است.

۲. سید مرتضی نیز کتابهایی پیرامون امامت و مهدویت نگاشته است. گسترش اندیشه مهدویت در زمان این بزرگوار نیز ادامه پیدا کرد و دایره رد و ایراد باز هم تا حدودی توسعه یافت. لذا سید مرتضی تت کتاب مهم و ارزشمند *تسافی* را در چند مجلد تألیف کرده و در آن تمام مسائل امامت را مورد بحث و بررسی قرار داده و اشکالات و ایرادات مخالفان را پاسخ داده است. ایشان علاوه بر کتاب *تسافی* کتابی هم در خصوص غیبت به نام *المقنع* تألیف نموده است.

۳. بعد از آن دو بزرگوار، منصب زعامت و ریاست امامیه به شیخ طوسی تت محول شد. در زمان ایشان دیگر مذهب شیعه اثنا عشریه، کاملاً معروف و مورد توجه همگان قرار گرفته و مناقشات مذهبی مخصوصاً در مسئله امامت به اوج خود رسیده بود. در واقع در اثر مساعی و فداکاریهای آن دانشمند مبارز و استادان از خود گذشته‌اش، شیعه دوازده امامی که تا مدتی قبل فرقه گمنامی شمرده می‌شد، به یک مذهب علمی و فعال و مبارز تبدیل شد. تبلیغات شیخ و استادان فداکارش به حدی مؤثر واقع شد که اذان رسمی شهر بغداد بر طبق عقیده شیعه گفته می‌شد، و بر در اکثر خانه‌های شیعیان نوشته بود: محمد و علی بهترین مردم هستند.<sup>۱۳</sup>

طبیعی می‌نماید که در چنین اوضاع و احوالی، فرقه‌های دیگر اسلامی بیکار نمی‌نشینند و درصدد رد و نقض دیدگاه‌های شیعه برمی‌آیند. شیخ طوسی رحمته در این زمان به علت جلالت و عظمت شأن معنوی و علمی از طرف خلیفه وقت، القام بامرالله، کرسی کلام را رسماً به عهده گرفت و در چنین موقعیت حساسی به بیکار علمی و دفاع از عقیده شیعه مشغول گشت.

شیخ طوسی در این زمینه کتاب *ثافی* استادش سید مرتضی را تلخیص کرد و در جلد اول و چهارم آن کتاب به طور مستند درباره امام زمان بحث نمود. علاوه بر آن، وی کتاب جداگانه‌ای در زمینه مهدویت به نام *الغیبه* تألیف کرد. ایشان در مقدمه کتاب می‌نویسد:

شیخ بزرگوارم به من دستور داد که کتابی درباره غیبت صاحب‌الزمان و سبب دوام غیبت و پاسخ شبهات مخالفان بنویسم. من با وجود کمی فرصت و ناراحتی روحی و موانع روزگار خواهش او را پذیرفتم و به طور اختصار آن مطلب را تعقیب خواهم کرد.<sup>۱۴</sup>

با مرور اجمالی به کتاب *الغیبه* ایشان می‌توان فهمید که تمام هم و غم ایشان رفع و دفع شبهاتی بوده که از جانب فرق اسلامی از قبیل زیدیه، کیسانیه، ناویسه، واقفیه، فطحیه، اسماعیلیه و دیگر فرق اسلامی در آن زمان مطرح می‌گردید.

کتابهای دیگری نیز در این عصر به نگارش درآمد، همانند *برهان در طول عمر صاحب‌الزمان*، اثر ابوالفتوح محمدبن علی بن عثمان یا کتاب *صاحب‌الزمان* و کتاب *وقت خروج مهدی*، از محمدبن جمهور و یا کتاب *فرج کبیر در غیبت*، از ابوعبدالله محمدبن جعفر وراق طرابلسی<sup>۱۵</sup> و نیز کتابها و رساله‌های دیگر که اکنون درصدد ذکر همه آنها نیستیم.

آنچه تا به حال بیان شد، نوشته‌هایی بودند که به طور مستقیم پیرامون امامت و مهدویت سخن رانده بودند. اما در این دوران ما شاهد کتابهای دیگری هستیم که اگرچه موضوع اصلی آنها مسئله امامت یا غیبت و مهدویت نیست، مثل کتابهای تفسیری و یا کلامی که به تمام موضوعات کلامی پرداخته‌اند، با این همه در این گونه کتابها هم به طور شافی و کافی به بحث امامت و مهدویت پرداخته شده است. اکنون به تعدادی از این آثار و محتویات آنها اشاره می‌کنیم.

در میان تفاسیر قرآن کریم، تفسیر *مجمع البیان*، تألیف شیخ طبرسی رحمته از شهرت و آوازه‌ای خاص برخوردار است. این تفسیر نزد شیعه و اهل سنت دارای اعتباری خاص است.

طوسی

در تأیید این ادعا می‌توان به گفته شیخ شلتوت، مفتی الازهر مصر، تمسک کرد که در مقدمه خود بر این تفسیر نوشته است. این عالم بزرگ اهل سنت می‌گوید:

تفسیر مجمع البیان با مزایای زیادی که دارد از دیگر تفاسیر قرآن بهتر است.<sup>۱۶</sup>

شیخ طبرسی رحمته الله در تفسیر مجمع البیان به طور نسبتاً مفصل به مسئله مهدویت، از قبیل نشانه‌های ظهور، جهان بعد از عصر ظهور، تولد حضرت و بعضی از شبهاتی که پیرامون این مسئله مطرح است، پرداخته است که به تعداد اندکی از آنها اشاره می‌کنیم.

صاحب تفسیر مجمع البیان در ذیل آیه شریفه «*لقد كتبنا في الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون*»<sup>۱۷</sup> می‌گوید:

وقال ابو جعفر رحمته الله: هم اصحاب المهدي عليه السلام في آخر الزمان ويدل على ذلك ما وراء الخاص والعام عن النبي صلى الله عليه وآله انه قال: لو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يبعث رجلاً صالحاً من اهل بيتي يملأ الارض عدلاً وقسطاً كما قد ملئت ظلماً وجوراً. وقد اورد الامام ابو بكر احمد بن الحسين البيهقي في كتاب البعث والنشور اخباراً كثيرة في هذا المعنى.

در ادامه ایشان به این شبهه که مهدی امت، همان حضرت عیسی مسیح است می‌پردازد و آن را رد می‌کند و در ادامه می‌گوید: احادیثی که در آن تصریح به خروج حضرت مهدی شده است. از نظر سند صحیح می‌باشد. او در ادامه به طرق مختلف، چند روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیرامون حضرت حجت عليه السلام بیان می‌کند.<sup>۱۸</sup> شیخ طبرسی رحمته الله در ذیل آیه «*الذین یؤمنون بالغیب*»<sup>۱۹</sup> از جمله موارد غیبت را مدت غیبت امام زمان عليه السلام و وقت ظهور آن حضرت ذکر می‌کند.<sup>۲۰</sup>

صاحب تفسیر مجمع البیان در ذیل آیه «*یوم نحشر من کل امة فوجاً ممن یکتذب با یا تا فهم یوزعون*»<sup>۲۱</sup> به یکی از حوادثی که در عصر ظهور به وقوع می‌پیوندد، اشاره می‌کند و می‌گوید:

وقد تظاهرت الاخبار عن الائمة الهدی من آل محمد ان الله تعالی سيعيد عند قيام المهدي قوماً ممن تقدم موتهم من اوليائه وشيعته ليفوزوا بثواب نصرته ومعونته ويتهجوا بظهور دولته ويعيد ايضاً قوماً من اعدائه لينتقم منهم وينالوا بعض ما يستحقونه من العذاب في القتل على ایدی شيعته والذل والخزی بما يشاهدون من علو كلمته ولا يشك عاقل ان هذا مقدور لله تالی غیر مستحيل في نفسه وقد فعل الله ذلك في الامم الخالية ونطق القرآن بذلك في عدة مواضع مثل قصة عزيز وغيره.<sup>۲۲</sup>

در زمینه کتابهای تفسیری می توان به تفسیر *روض الجنان و روح الجنان*، تألیف شیخ ابوالفتوح رازی، حسین بن علی بن محمد بن احمد خزاعی نیشابوری، اشاره کرد. ایشان از جمله مفسران به نام شیعه است و تفسیر او از قدیمی ترین تفسیرها به شمار می آید که به زبان فارسی در قرن ششم هجری تألیف شده است.

ابوالفتوح رازی به طور گسترده به مسئله مهدویت پرداخته است که به گوشه‌هایی از بیانات ایشان اشاره می کنیم.

ایشان در ذیل آیه پنجم سوره مبارکه آل عمران به ضرورت وجود امام می پردازد و می گوید:

در این خبر<sup>۲۳</sup> دو دلیل است بر دو اصل از اصول ما. یک آنکه زمانه از امام خالی نباشد، برای آنکه تا امام نباشد، شناختش واجب نباشد؛ و دیگر، دلیل است بر آنکه معرفت امام از اصول دین است که اگر نه چنین بودی نگفتی علیه السلام که: هر که شناسد او را، مردن او مردن کافران بود.<sup>۲۴</sup>

ابوالفتوح در جای دیگر به مسئله ظهور آن حضرت می پردازد و می گوید زمان ظهور آن حضرت مشخص نیست و جز خداوند عالم کسی به زمان ظهور آگاهی ندارد.<sup>۲۵</sup> ایشان در جایی دیگر ایمان به حضرت مهدی علیه السلام را از مصادیق «والذین یؤمنون بالغیب» می داند و می گوید:

در تفسیر اهل البیت علیهم السلام می آید که: مراد به غیب مهدی امت است که غایب است از دیدار خلقان و موعود است در اخبار و قرآن.<sup>۲۶</sup>

ابوالفتوح در موارد متعددی به نشانه‌های ظهور حضرت اشاره می کند مثلاً در ذیل آیه

«حتی اذا فتحت یا جوج و ما جوج وهم من کل حرب ینسلون»<sup>۲۷</sup> می گوید:

حذیقه بن الیمان گفت که رسول صلی الله علیه و آله گفت: اول آیتی و علامتی از علامت آخر زمان، خروج دجال بود، آنکه خروج دابة الارض، آنکه خروج یا جوج و ما جوج، آنکه عیسی علیه السلام از آسمان فرود آید و این عند خروج مهدی باشد.<sup>۲۸</sup>

وی در ذیل آیه «ولوتری اذ فرعوا فلاقوت واخذوا من مکان قریب»<sup>۲۹</sup> می نویسد:

در اخبار ما آمد که: از علامت خروج خسفی باشد به شرق و به یکی به مغرب و یکی به مبدأ و از علامت خروج او خروج سفیان است که در این خبر و این رایت هدی که گفت از کوفه بدر آید، خبر رایت مهدی نباشد علی ما فی الاخبار.<sup>۳۰</sup>

طرح



ایشان در جایی دیگر به وضعیت جهان بعد از ظهور حضرت اشاره می‌کند. او در ذیل آیه «فقاتل فی سبیل الله لا تکلف الا نفسك وحرّض المؤمنین عسی الله ان یکف بأس الذین کفروا وواله اشد باساً واشد تنکیلاً»<sup>۳۱</sup> می‌گوید:

قول دیگر آن است که آیت عام است جز آن انجام این وعده هنوز نیست آنگاه باشد که صاحب‌الزمان علیه السلام بیرون آید و عیسی علیه السلام از آسمان فرود آید و خلاف برخیزد و دین یکی شود و کفر مقموع و مقهور گردد و دین خدا تعالی بر همه دینتها ظاهر شود چنانکه گفت «لیظهره علیه الذین کله یأی الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً وظلماً»<sup>۳۲</sup>.

ایشان همچنین در ذیل آیه «وترید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین»<sup>۳۳</sup> به شرایط و وضعیت جهان بعد از ظهور حضرت می‌پردازد.

ابوالفتوح در موارد مختلفی به شبهاتی که پیرامون حضرت مهدی علیه السلام مطرح بوده می‌پردازد و به آنها پاسخ می‌دهد. مثلاً در ذیل آیه «فانظر الی طعامک و شرابک لم یتسنه»<sup>۳۵</sup> می‌آورد:

خدای تعالی در نگاه‌داشت طعام و شرابی سریع‌التغییر به حسب اجرای عادت برای حکمت و مصلحتی خرق عادت کرد و آن طعام و شراب را از تغییر نگاه داشت. نشاید که شخصی را که صلاح جهانی بر او منوط است سالی چند به خلاف عادت عمر ابنای وقت او بدارد که پیر نشود و بی‌قوت نگردد.<sup>۳۶</sup>

از جمله کتابهای کلامی که در این دوره نوشته شده و در آن به بحث مهدویت پرداخته شده است، کتاب *بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض*، معروف به کتاب *نقض*، تألیف عبدالجلیل قزوینی رازی (قرن ششم) است. نویسنده این کتاب شبهاتی را که نویسنده کتاب *بعض فضائح الروافض* مطرح کرده و به شیعه نسبت داده است مطرح می‌کند و به آنها پاسخ می‌دهد.

از جمله مسائل و شبهاتی که نویسنده کتاب *بعض الفصائح* مطرح می‌کند، شبهات و مسائلی پیرامون مهدویت و امام زمان علیه السلام است که جناب دانشمند بزرگوار عبدالجلیل قزوینی به خوبی به آن پاسخ می‌دهد.

وی در مورد خروج حضرت آورده است:

اما آنچه انکار کرده است بر خروج قائم، باید که تواریخ ببیند از اصحاب الحدیث که از امت محمد هر کس که نزول عیسی را مقرر است، خروج مهدی را منکر نیست و آن جمهور اصحاب شافقی‌اند خلفا عن سلف و شیعت هر دو را مقررند.<sup>۳۷</sup>

یا در جای دیگر پیرامون شرایط ظهور گویند:

اما آنچه گفته است که «سیصد و سیزده حلال زاده می‌بایند تا او خروج کند» شیعت نگوید که موقوف است ظهور امام برین عدد و در هیچ کتابی از کتب شیعت مذکور نیست بلکه در اخبار و تواریخ و آثار و ملاحم آورده‌اند که اتفاق را آن روز که مهدی بر در کعبه ظاهر شود، سیصد و سیزده مرد معتقد که از اطراف عالم به حج رفته باشند بر وی عهد بندند و بیعت اول ایشان دریابند و شرحی بداده است که از هر ولایتی و ناحیتی چند نفس باشند به عدد اهل بدر که با مصطفی بودند، و این نه شرطی است از شرایط ظهور امام و نه رکنی از ارکان خروج او، توقف او به مصلحت است، نه انتظار؛ این عدد از جمله علامات ظهور است نه شرایط خروج است.<sup>۳۸</sup>

عبدالجلیل قزوینی در موارد متعددی پیرامون آن حضرت و شرایط ظهور و علامات آن و مباحث دیگر مهدویت بحث کرده است که ما به همین دو مورد اکتفا می‌کنیم و مشتاقان را به خود کتاب گرانسنگ **نقض ارجاع** می‌دهیم.

با دقت در همین موارد اندکی که ذکر شد به خوبی می‌توان دریافت که مسئله مهدویت در قرن چهارم و پنجم و ششم در جهان تشیع و حتی می‌توان گفت در جهان اسلام به خوبی جایگاه خود را پیدا کرد و ذهن فعال جهان اسلام و مسلمانان را به خود مشغول ساخت. در این دوران عده‌ای آن را پذیرفته و عده‌ای درصدد رد آن بوده‌اند که این امر از تعد و نوع شبهاتی که در این زمینه مطرح می‌گردید، به خوبی هویداست. این نشان از تاریخ طولانی و قدیم مسئله مهدویت دارد.

طهری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

بی نوشتہا:

۱. سیرہ پیشوایان، مہدی پیشوایی، ص ۶۱۶
۲. فرق الشیعہ، حسن بن موسیٰ نوبختی، ص ۹۶
۳. همان، ص ۱۱۰؛ المقالات والفرق، سعد بن عبداللہ اشعری، ص ۱۰۴
۴. نہج الولایۃ، علامہ حسن زادہ املی، ص ۷۲
۵. الارشاد فی معرفۃ حجج اللہ علی العباد، شیخ مفید تذکرہ، ج ۲، ص ۳۵۰
۶. کمال الدین وتمام النعمۃ، شیخ صدوق تذکرہ، ترجمہ پهلوانی، ج ۱، ص ۴
۷. ہزارہ شیخ طوسی، علی دوانی، ج ۱ و ۲، ص ۵۱۷
۸. رجال النجاشی، ابوالعباس احمد بن علی بن عباس النجاشی، ص ۸۵ شماره ۲۰۶
۹. ہزارہ شیخ طوسی، ج ۱ و ۲، ص ۵۱۸ - ۵۱۹
۱۰. الرسائل العشر، شیخ طوسی تذکرہ، ص ۲۰
۱۱. غزالی نامہ، جلال الدین ہمایی، ص ۴۱ - ۴۳
۱۲. رجال النجاشی، ص ۳۹۹ - ۴۰۳، شماره ۱۰۶۸
۱۳. ہزارہ شیخ طوسی، ج ۱ و ۲، ص ۱۶
۱۴. الفیئۃ، شیخ طوسی تذکرہ، ص ۱
۱۵. نجم الثاقب، میرزا حسین نوری، ص ۱۱
۱۶. مقدمہ تفسیر جوامع الجامع، ترجمہ احمد امیری شادمہری، ص ۱۰
۱۷. انبیاء: ۱۰۵
۱۸. تفسیر مجمع البیان، شیخ طبرسی تذکرہ، ج ۷، ص ۶۶ - ۶۷
۱۹. بقرہ: ۳
۲۰. تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۸
۲۱. نمل: ۸۴
۲۲. تفسیر مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۴ - ۲۳۵
۲۳. منظور حدیث پیامبر اسلام صلی اللہ علیہ وسلم: «من مات ولم يعرف امام زمانہ مات میتة جاهلیة» است.
۲۴. تفسیر روض الجنان وروح الجنان، ابوالفتوح رازی، ج ۴، ص ۱۷۲ - ۱۷۳
۲۵. همان، ج ۴، ص ۱۸۰
۲۶. همان، ج ۱، ص ۱۰۴

۲۷. انبیاء: ۹۶.
۲۸. تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱۳، ص ۲۸۰.
۲۹. سیأ: ۵۱.
۳۰. تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱۶، ص ۸۵.
۳۱. نساء: ۸۴.
۳۲. تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۶، ص ۳۸.
۳۳. قصص: ۵.
۳۴. تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱۵، ص ۹۴ - ۹۵.
۳۵. بقره: ۲۵۹.
۳۶. تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۴، ص ۲۳.
۳۷. کتاب تقض، عبدالجلیل قزوینی رازی، ص ۲۶۷.
۳۸. همان، ص ۴۶۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

طهری